بررسی کتاب *منهاج الدکان و دستور الاعیان* کوهین عطار

منیژه عبدالهی[الف*]

[الف]گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

سابقه و هدف: نخستین آثار علمی در زمینه‌های پزشکی و داروسازی با ترجمهٔ متون یونانی و مصری و سریانی به عربی پدید آمد. پس از آن در دوران عباسی دانشمندان به تألیف و تدوین آثار مستقل گرایش یافتند. دامنهٔ این تحرک علمی تا دورترین نقاط امپراتوری اسلامی فرارفت. از آن جمله، ابوالمنی داوودبن‌ابی‌نصر الاسرائیلی الهارونی معروف به کوهین العطار، داروساز یهودی ساکن مصر، در سال ۶۵۸ هجری کتابی دربارهٔ داروسازی عملی نگاشت و آن را *منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب الادویه النافعه للابدان* نامید که ترجمهٔ فارسی کتاب با عنوان «*شربتکدهٔ عطار هارونی*» چاپ شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعهٔ حاضر براساس روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نخست به‌منظور مروری بر تاریخچهٔ طب و داروسازی، منابع کهن بررسی شد. سپس برای یافتن اطلاعاتی مربوط به زندگی و آثار کوهین عطار، کلیدواژه‌های منابع فارسی و عربی از طریق پایگاه‌های علمی Irandoc, Magiran, SID و پایگاه‌های بین‌المللی نظیر Scopus و Google Scholar جست‌وجو شد و مطالب لازم استخراج و در نگارش مقاله استفاده شد.

یافته‌ها: این مطالعه نشان می‌دهد که هدف کوهین عطار از نگارش کتاب «*منهاج الدکان*» نگارش متنی جامع در داروسازی بوده است که خواننده را از مراجعه به سایر آثار بی‌نیاز کند. از این رو کتاب به شیوهٔ کتب تعلیمی و به صورتی بسیار روشمند فراهم آمده است. از میان بیست‌وپنج باب کتاب، گسترده‌ترین بخش، باب دوم است که شیوهٔ ساخت ۱۴۲ شربت را با ذکر جزئیات بیان کرده است.

نتیجه‌گیری: نویسنده نزدیک به صد نکتهٔ سودمند اخلاقی را در کتاب درج کرده است که بیانیهٔ اخلاقی داروسازان حرفه‌ای به‌حساب می‌آید. اطلاعات تخصصی در زمینهٔ داروشناسی و ابزار و وسایل داروسازی درج شده در کتاب افزون بر متخصصان داروسازی، برای ادیبان، جامعه‌شناسان و مورخان تاریخ علم نیز قابل توجه است.

تاریخ دریافت: خرداد ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها: داروسازی سنتی، *منهاج الدکان*، کوهین عطار

مقدمه:

از کهن‌ترین فنون و علومی که بشر از دیرباز به آن توجه داشته است و در تمام متون کهن و اسطوره‌ها و افسانه‌های بشری منعکس شده، دانش پزشکی و دانش داروسازی است که به‌طور طبیعی از همان آغاز با یکدیگر پیوند داشته‌اند؛ در واقع داروسازی نخست جزئی از پزشکی به‌شمار می‌آمده است و پزشک پس از معاینهٔ بیمار و تشخیص بیماری، خود مستقیماً با تجویز داروهای لازم، امر درمان را بر عهده داشته است؛ بنابراین بر هر پزشکی لازم بوده است به علم داروها و گیاهان دارویی واقف باشد. اما پس از آنکه پزشکی به دو بخش تشخیص و درمان یا دو بخش نظری و عملی تقسیم شد، ناگزیر داروسازی نیز به‌عنوان علمی مستقل و سپس حرفه‌ای مستقل شکل گرفت. گفته می‌شود نخستین کسی که استقلال داروسازی از پزشکی را رواج داد محمدبن‌زکریای رازی بود که معرفت به داروها و گیاهان دارویی و چگونگی ترکیب آن‌ها را به‌عنوان حرفه‌ای مستقل پدید آورد.

پیامد مستقیم این تحول، گسترش ترجمه و تألیف کتاب‌ها و آثاری است که با نام عام قرابادین یا دستورهایی برای ساخت و آماده‌کردن داروها شهرت یافت. در آغاز منبع اصلی داروسازی در سرزمین‌های اسلامی، منابع یونانی بود که

* فرد مسئول مکاتبات: abdolahm@sums.ac.ir

مشهورترین آن‌ها کتاب *الماده الطبیه فی الحشائش و الادویه المفرده* (Materia Medica) از دیوسکوریدس (Dioscorides) است (۱). از این کتاب چندین ترجمه به زبان عربی فراهم آمد که مشهورترین آن‌ها ترجمهٔ حنین‌بن‌اسحاق در بغداد و ترجمهٔ ابی‌عبدالله الصقلی در قرطبه است (۲). در این کتاب حدود ۶۰۰ گیاه دارویی یا داروی گیاهی توصیف شده است. اما علم داروسازی به منابع و اطلاعات یونانی اکتفا نکرد و به‌تدریج به منابع و اطلاعاتی که از داروسازی هندی و ایرانی و خاور دور و شمال آفریقا حاصل می‌شد، دست یافت که در آثاری همچون کتاب *النبات* از ابوحنیفه دینوری [۲۸۲ه.ق.] و *الفلاحه النبطیه* از ابن‌وحشیه [۳۱۸ه.ق.] و *الفلاحه الاندلسیه* از احمدبن‌العوام الشُبیلی اندلسی [حدود ۵۵۳ه.ق.]، منعکس شده است. به این ترتیب با بهره‌مندی از منابع شرق ملل اسلامی که تا حدود خاور دور را در برمی‌گرفت، علم و صناعت داروسازی توسعه یافت تا جایی که حدود ۲۰۰۰ مادهٔ دارویی جدید همچون میخک، صندل، دارچین، مشک، عنبر، مُر و جیوه به منابع یونانی افزوده شد. پیامد دیگر استقلال داروسازی، افزون بر نگارش و تدوین دارونامه‌ها و سایر کتب داروسازی، پایه‌گذاری مراکز تهیه و فروش دارو، اغلب در جنب بیمارستان‌ها و تأسیس فروشگاه‌های داروسازی بود. مطابق آنچه در منابع گوناگون ذکر شده، نخستین دکان‌های عطاری با عنوان صیدنه در بغداد و سپس در سایر نقاط گشوده شد (۳).

در زمینهٔ نگارش کتب داروسازی گفتنی است که این نهضت پیش از دوران عباسی و از دوران بنی‌امیه با حضور خالدبن‌یزیدبن‌معاویه که قرار بود جانشین یزید باشد اما مروان‌بن‌حکم به‌جای او بر تخت نشست، آغاز گشته بود و گفته می‌شود خالدبن‌یزید که در امر کیمیاگری چهره‌ای شاخص بود، در داروسازی و پزشکی نیز دست داشته است (۴). او نخستین کسی است که فرمان داد آثار علمی یونانی و سریانی به عربی ترجمه شود و از آنجا که گزارش‌هایی از سفر خالد به اسکندریه برای کسب دانش در دست است، می‌توان گفت خالدبن‌یزید با بهره‌مندی از موقعیت خود و نیز اقامت در دمشق که در آن زمان با قرارگرفتن در مسیر جادهٔ ابریشم به‌عنوان مرکز بزرگ تضارب آراء و عقاید شرق با غرب جلوه کرده بود، نخستین کسی است که در پیشبرد علوم، فیزیک و ستاره‌شناسی و سرانجام کیمیاگری که ارتباط مستقیم با داروسازی دارد، نقش مهمی ایفا کرده است. به هر حال براساس شواهد موجود نخستین آثار علمی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه پزشکی و کیمیاگری که در اساس با داروسازی پیوند مستقیم دارد، در زمان خالدبن‌ولید از یونانی و مصری و سریانی به عربی برگردانده شده است. با آنکه دولت کوتاه اموی در پایه‌گذاری برخی علوم فعالیت داشت، اما دوران طلایی اندیشه‌ورزی جهان اسلام در دوران عباسی و قرن نهم میلادی شکل گرفت؛ به‌عنوان نمونه یوحنابن‌ماسویه، پزشک دوران هارون‌الرشید، از سوی خلیفه به ترجمه و تألیف کتب علمی و پزشکی منسوب شد و حنین‌بن‌اسحاق آثار بقراط را به عربی ترجمه کرد. با این حال نهضت ترجمه و بهره‌برداری از متون علمی دیگران دیری نپایید و حکما و دانشمندان عمدتاً مسلمان و نیز پزشکان یهودی و مسیحی که در خدمت دربار عباسیان بودند، به سمت تألیف و تدوین آثار مستقل گرایش یافتند.

از نخستین دانشمندانی که به‌جای ترجمه به سمت تحقیق و پژوهش رو نمودند جابربن‌حیان است که بیشتر در زمینهٔ کیمیاگری و شیمی شهرت دارد و گفته می‌شود بیش از ۲۲ گونه وسیلهٔ جدید آزمایشگاهی ابداع کرده است و از آنجا که علم کیمیا و شیمی با داروسازی پیوند مستقیم دارد، کشفیات علمی او در زمینهٔ کیمیا و شیمی در پیش‌برد علم داروسازی نیز سهم مهمی ایفا کرده است. از شمار همین دانشمندان، ابوالحسن علی‌بن‌سهل ربَّن طبری است که در دوران مأمون می‌زیست و کتاب مشهور *فردوس الحکمه* را پدید آورد. در این کتاب افزون بر مباحث مربوط به بیماری و درمان، بخش‌هایی به مواد دارویی اختصاص دارد و پیشنهادهای او برای حفظ و نگهداری داروها همچون استفاده از ظروف شیشه‌ای و کوزه‌ها برای نگهداری داروهای مایع یا ظروف سرب‌اندود و فلزی برای حفظ سایر مواد دارویی، در نوع خود ممتاز و قابل‌توجه است (۵). سرانجام نخستین اثر در زمینهٔ اختصاصی داروسازی که طرز ساخت داروهای مختلف در آن

درج شده بود یا نخستین قرابادین را شاپوربن‌سهل به نگارش درآورد که به‌عنوان مهم‌ترین کتاب راهنمای داروسازان تا مدت‌ها اعتبار داشت. این کتاب مواد دارویی را به‌صورت طبقه‌بندی‌شده در دو دستهٔ مفردات و مرکبات عرضه می‌کند و شیوهٔ ساخت و میزان مصرف هر دارو و دیگر اطلاعات مربوط را درج کرده است (۶). بعد از آن یعقوب‌بن‌اسحاق الکندی میزان مصرف دارو برای هر بیمار را که امروزه بحث مهمی در پزشکی است، با دقت بیش‌تر به بحث گذاشت و در کنار آثار فراوانی که در زمینه‌های فلسفه و علوم و ریاضی پدید آورد، به مباحث مربوط به داروسازی نیز توجه خاصی نشان داد چنان‌که علم داروها در میان آثار او جایگاه مهمی به خود اختصاص داد. با وجود آثار الکندی در این زمینه و کتاب‌های مشهور« *قرابادین کبیر*، *قرابادین صغیر* و *طب منصوری*» که دامنهٔ تأثیر آن‌ها تا قرن بیستم ادامه یافت، علم داروسازی به جایگاهی متین و مستقل دست یافت (۷). ادامهٔ این جریان با کمک محمدبن‌احمد مقدسی و حضور حکیم همهٔ دوره‌ها، ابوعلی سینا، سبب پدیدارشدن جریانی عظیم گشت که با آثار و کوشش‌های امثال ابوریحان بیرونی و دیگران ادامه یافت. سرانجام ابن‌بیطار یکی از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین آثار در زمینهٔ داروشناسی را پدید آورد که به «*کتاب جامع المفردات الادویه و الاغذیه*» معروف شد. این منبع، فرهنگ و کتاب راهنمایی است که مؤلف آن را براساس نظم الفبایی ترتیب داده و بیش از ۱۴۰۰ دارو را براساس مشاهدات شخصی و نیز براساس ۱۵۰ منبع که نامشان را در کتاب معرفی کرده است، پدید آورده است. اثر ابن‌بیطار راهگشای شیوه‌ای شد که تا مدت‌ها بعد از او تا قرن دوازدهم هجری و زمان تألیف کتاب *مخزن الادویه* عقیلی خراسانی ادامه یافت.

هدف از نگارش این مقاله آن است که در راستای مطالب پیش‌گفته‌شده، یکی از آثار ارجمند در زمینهٔ تدوین کتب داروسازی با نام «*منهاج الدکان و دستور الاعیان اثر کوهین عطار*» بررسی و معرفی شود. این کتاب چنان‌که در ادامه خواهد آمد، از آنجا که حاوی دستورهای عملی در زمینهٔ تهیه و نگهداری داروهای مختلف است، افزون بر آنکه در مباحث داروسازی اثری ممتاز به‌شمار می‌آید، برای محققان رشته‌های دیگر به‌ویژه محققان حوزهٔ فرهنگ و ادب اثری قابل‌توجه است و چه بسا این گروه را در یافتن و فراگزینی معادل‌های فصیح برای اصطلاحات غربی یاری کند. همچنین محققان تاریخ علم و بررسی‌کنندگان شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی نیز در این کتاب مطالبی قابل‌توجه خواهند یافت.

مواد و روش‌ها:

مطالعهٔ حاضر براساس روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است و در فراهم‌آوردن مطالب دو بخش مطالعاتی به‌صورت موازی در پیش گرفته شده است. نخست آنکه برای ورود به بحث لازم بوده است، تاریخچهٔ طب و داروسازی مرور شود. به این منظور منابع کهن پزشکی و داروسازی بررسی شدند. به همین دلیل بخش عمدهٔ منابع مربوط به این بخش برگرفته از آثار کهن و نوشته‌های قدیم‌تر است و به موازات آن به‌منظور یافتن مطالبی اختصاصی‌تر مربوط به زندگی و آثار عطار هارونی، کلیدواژه‌های مرتبط با پزشکی و داروسازی سنتی به زبان فارسی و عربی به‌کار گرفته شد و پایگاه‌های علمی داخلی نظیر SID, Magiran, Irandoc, و برخی از پایگاه‌های جست‌وجوی علمی بین‌المللی نظیر Google Scholar و Scopus موردجست‌وجو قرار گرفت. منابع به‌دست‌آمده از این جست‌وجوی گسترده مطالعه شد و مطالب لازم استخراج گردید و در نگارش مقاله به‌کار بسته شد. بخش دیگر مطالب مندرج در مقاله مربوط به زندگی، آثار و دیگر منش‌های شخصی عطار هارونی، از لابه‌لای متن کتاب و با مطالعهٔ دقیق آن انجام شده است. همچنین ذکر ویژگی‌های کتاب اعم از ساختار کتاب، منابع مورداستفاده، روش کار عطار هارونی و دیگر جلوه‌هایی که در بحث از کتاب *منهاج* الدکان ذکر شده است، همگی از متن کتاب مستخرج شده است؛ زیرا تا قبل از نوشتهٔ حاضر، مقاله یا کتابی در این زمینه نگاشته نشده است و به همین جهت نگارنده ناگزیر به متن کتاب روی آورده است.

یافته‌ها و بحث:

دربارهٔ کتاب *منهاج الدکان و دستور الاعیان* اثر کوهین عطار

از جمله داروشناسانی که به شیوه‌ای کاملاً منظم و دقیق و مستند به آثار پیشین و اقوال استادان فن، سنت ابن‌بیطار را سرمشق قرار دادند و اثری شایسته فراهم آوردند، ابوالمنی [داوود] بن‌ابی‌نصربن‌حفاظ الاسرائیلی الهارونی معروف به کوهین العطار، داروساز یهودی[1] ساکن مصر است که در سال ۶۵۸ هجری قمری کتابی در داروسازی عملی نگاشت و آن را «*منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب الادویه النافعه للابدان*» نامید. از آنجا که نویسنده در مقدمه اظهار می‌دارد کتاب را برای فرزند خود نگاشته است که قرار است جانشین او شود، می‌توان دریافت که تدوین این کتاب براساس شیوهٔ کتب تعلیمی و احتمالاً کتب درسی فراهم آمده است. به همین جهت این کتاب بسیار روشمند است و نویسنده متنی منظم و روشن و دقیق در اختیار خواننده قرار داده است. مؤلف همچنین در مقدمه تأکید می‌کند که هدف از تألیف کتاب فراهم‌آوردن متنی جامع در داروسازی بوده است که خواننده را از مراجعه به سایر آثار بی‌نیاز کند. نظم و دقت نویسنده به‌ویژه در مباحث مربوط به مرکبات یا داروهای ترکیبی ستودنی است.

از ویژگی‌های قابل‌توجه کتاب *منهاج الدکان* که بر ارجمندی کتاب می‌افزاید، امانت‌داری وسواس‌گونهٔ نویسنده در ذکر منابع و مستندات کتاب است که با ذکر دقیق نام آثار پیشین همراه است. چنان‌که انتخاب این روش افزون بر جلب اعتماد خواننده، منبعی ارزشمند برای معرفی سایر آثار در این زمینه فراهم آورده است. نکتهٔ قابل‌توجه دیگر در زمینهٔ امانت‌داری نویسندهٔ کتاب که می‌تواند سرمشق و الگویی برای پژوهندگان اخلاق‌مدار قرار گیرد آن است که در جای‌جای کتاب از گفته‌های شفاهی استادان و دانشمندان هم‌عصر مؤلف و تا حد امکان با ذکر دقیق نام گوینده، سخن به میان آمده است. به دیگر سخن کوهین عطار هیچ عبارت و نکته‌ای را در کتاب بدون سند و مدرک ذکر نکرده و در تمام موارد منابع خود را معرفی کرده است؛ مگر مواردی که حاصل تجربهٔ مستقیم خود او بوده که آن را نیز به‌صراحت بیان کرده است. براساس آنچه کوهین عطار در مقدمه به‌صراحت ذکر کرده است، کتاب *منهاج الدکان* مجموعه‌ای برگرفته‌شده و مقتبس از پنج کتاب مهم است، به این ترتیب:

۱. *قرابادین* ابن‌تلمیذ، پزشک، داروشناس، ادیب و شاعر مسیحی بغدادی در قرن ششم هجری قمری؛

۲. *الارشاد لمصالح الانفس و الأجساد* تألیف ابن‌جامع پزشک مشهور یهودی‌زاده که در فسطاط مصر در قرن ششم هجری قمری می‌زیسته است؛

۳. *منهاج البیان فیما یستعمله الانسان من الأدویه المفرده و المرکبه* تألیف ابن‌جزله، پزشک و داروشناس مسیحی قرن پنجم هجری قمری که بعدها مسلمان شد؛

۴. *الملکی فی الطب* که کوهین عطار به‌اشتباه آن را به حنین نسبت داده است درحالی‌که این اثر نام دیگر کتاب کامل *الصناعه* منسوب به اهوازی می‌باشد؛

۵. *الدستور المارستانی* یا *دستور الأدویه المرکبه* تألیف داودبن‌أبی‌البیان طبیب مشهور متولد قاهره در قرن ششم هجری قمری.

بررسی ساختار و محتوای *منهاج الدکان*

کتاب *منهاج الدکان* به شیوهٔ معمول کتاب‌نگاری دنیای قدیم، با مقدمه‌ای در حمد و ثنای خداوند آغاز شده است که مطابق روش کتاب‌های علمی در قرون نخست، کوتاه و حکیمانه است. سپس مؤلف هدف خود را از تدوین کتاب ذکر می‌کند که آن را فراهم‌آوردن متنی تعلیمی برای آموزش فرزند خود ذکر کرده است که می‌توان این روش را نیز روش متداول کتاب‌های آموزشی دنیای قدیم فرض کرد. با این حال کوهین عطار در پایان مقدمه، نیت واقعی خود را بیان می‌دارد که نخست طلب رضای خداوند و خدمت به مردم سپس فراهم‌آوردن متنی جامع که جویندگان و پژوهندگان را از مراجعه به سایر منابع بی‌نیاز کند.

بخش اصلی کتاب از باب دوم آغاز می‌شود که تا باب نوزدهم به معرفی روش‌های ساخت انواع داروهای مرکب اختصاص دارد که در ضمن آن کاربرد طبی و خواص هر دارو نیز ذکر شده است و چنان‌که پیش از این آمد، در هر مورد نام منبع و مأخذ موردمراجعهٔ خود را با دقت بیان کرده است و اگر احیاناً نظری خلاف آن دارد یا در آزمایش‌های خود به نتایج متفاوتی رسیده، آن را نیز بیان کرده است. گسترده‌ترین باب، باب دوم است که به طرز تهیهٔ انواع شربت‌ها اختصاص دارد و

شیوهٔ ساخت ۱۴۲ شربت را با دقت و ذکر جزئیات بیان کرده است که در نوع خود از نظر تعداد شربت‌هایی که طرز ساخت آن تعلیم داده شده، یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها به‌شمار می‌آید. سپس در سایر باب‌ها، از انواع مباحث مختلف صنعت داروسازی با توجه به طبقه‌بندی رایج در این آثار، گفت‌وگو به میان آمده است که در فهرست مطالب همین کتاب می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد.

نکتهٔ گفتنی در مورد محتوای کتاب، مباحث طرح‌شده در سه باب بیستم و بیست‌ویکم و بیست‌ودوم است که از جهاتی خاص قابل‌توجه هستند: باب بیستم به ابدال [الادویه]، باب بیست‌ویکم به شرح اسماء ادویه و باب بیست‌ودوم به معرفی اوزان و الفاظ مجهول پرداخته است. توضیح آنکه چنان‌که گذشت پزشکی و داروسازی در دوران بعد از اسلام نخست با تکیه بر آثار یونانی پدید آمد سپس با گسترش قلمرو امپراتوری اسلامی یافته‌های اقوام سریانی و ایرانی و هندی به آن افزون شد که بعدتر با واسطه‌گری جادهٔ ابریشم برخی معارف خاور دور نیز به آن وارد گردید. چنان‌که شمار ادویه و گیاهان دارویی شناخته‌شده تا دوران ابن‌بیطار، بالغ بر ۲۰۰۰ نوع شد؛ بنابراین تصور این نکته دشوار نیست که نام‌های داروها و گیاهان و درختانی که ریشه در نقاط دوردست شرق قلمرو اسلامی داشتند برای دانشمندان بخش‌های دیگر مثلاً مصر و شمال سوریه، ناآشنا بوده باشد یا شگفت نیست اگر برخی مواد دارویی که در آفریقا و مصر شناخته‌شده بوده است برای علمای خراسان غریب باشد. از این رو نویسندگان دانشمند این متون که به روش‌های علمی آشنا بوده‌اند، به‌خوبی به ضرورت یکسان‌سازی نام‌ها و اصطلاحات در حوزهٔ داروها پی برده بودند. برای پاسخ به این ضرورت در آثاری چون *النبات* تألیف دینوری [قرن ۳ه.ق.]، *الصیدنه* از ابوریحان بیرونی [قرن ۴ه.ق.] یا *شرح اسماء العقار* از ابن‌میمون [قرن ۶ه.ق.] سنتی پایه‌گذاری شد که اسامی متعدد گیاهان و داروها به زبان‌های مختلف در جدول‌هایی خاص تهیه شود تا داروسازان در بلاد مختلف به یکسان از این آثار بهره‌مند شوند (۸). به تبعیت از این شیوهٔ علمی، نویسندهٔ *منهاج* نیز باب بیست‌ویکم کتاب خود را با عنوان «شرح اسماء الادویه» به این مهم اختصاص داد که در نوع خود بسیار قابل‌توجه است؛ زیرا نویسنده در این باب به ۸۴۷ مورد از اسامی مفردات اشاره می‌کند که افزون بر مباحث داروسازی صِرف، از نظر لغت‌شناسی و ادب‌پژوهی نیز منبعی غنی و قابل‌اعتماد به‌شمار می‌آید.

در همین راستا و با توجه به گسترش حوزه و میزان و تعداد داروها، معضل دیگری که از همان آغاز پیش روی داروسازان و مراجعه‌کنندگان به دارونامه‌های مفصل و جامع قرار گرفت این بود که دست‌یابی به تمام موارد دارویی و گیاهانی که در این آثار از آنان سخن رفته، در عمل برای داروسازان بلاد مختلف میسر نبوده است. از این رو نگارندگان دارونامه‌ها با علم به این محدودیت به‌طور معمول فصلی در کتاب خود می‌نگاشته‌اند که در صورت در دسترس‌نبودن دارویی خاص، به‌ویژه به هنگام ساخت مرکبات، داروساز را به جایگزین یا بدل آن دارو هدایت می‌کرده‌اند. باب بیستم کتاب *منهاج الدکان* با عنوان «ابدال الادویه» به این موضوع اختصاص دارد و نویسنده، مرجع اصلی خود را در این باب کتاب «*الابدال رازی*» ذکر کرده است و از آنجا که رازی دانشمندی ایرانی و فارسی‌زبان بوده است، طبیعی است که نام بسیاری از داروهای بدل که کوهین عطار ذکر کرده ریشه‌ای فارسی داشته باشند و از این نظر نیز این کتاب برای پژوهش‌های زبان فارسی منبعی قابل‌توجه است.

در ادامهٔ سنت یکسان‌سازی و روشمندکردن داروسازی تا حد امکان، نیاز به یکسان‌سازی اوزان و مقادیر موردمصرف هر دارو به‌ویژه در ترکیبات کاملاً خودنمایی می‌کرد؛ زیرا طبیعی است که میزان‌ها و موازین آثاری که منشأ یونانی یا ایرانی یا هندی داشتند، براساس موارد استفاده در ساخت داروها، متناسب با همان سرزمین‌ها نگاشته شده بودند. از این رو برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب داروسازان ناگزیر بوده‌اند، اوزان واردشده در کتاب‌ها را با معیارهایی نسبتاً ثابت که در مکان‌های گوناگون یافت می‌شود، همچون دانهٔ گندم یا خرما بسنجند. همچنین لازم بوده است مقیاس‌های بزرگ‌تر را نیز با الفاظ و اصطلاحات یکسان بیان کنند که به قیاس امروز گونه‌ای استانداردسازی بوده است. باب بیست‌ودوم کتاب *منهاج* با عنوان «اوزان و الفاظ مجهول» به همین مهم اختصاص

دارد که ضمن معرفی وزن‌های مطرح روزگار، برخی الفاظ ادبی و معانی آن‌ها را نیز ذکر کرده است که برای پژوهندگان علوم ادبی فارسی نیز این بخش منبعی شایسته به‌حساب می‌آید؛ به‌عنوان نمونه واژه‌های همیان (بیست‌وپنج استار)، باطیه (خمرهٔ بزرگ)، بواری (حصیرهایی که از نی درست می‌شده است) که می‌توان آن را جمع بوریا به‌حساب آورد، دانق (یک‌ششم) که تلفظ عربی دانگ فارسی است (۹).

در باب بیست‌وچهارم به‌طور عمده به شیوهٔ جمع‌آوری و تهیهٔ داروها و شرایط نگهداری هر دارو و ظروف متناسب با طبیعت هر دارو اشاره شده است. همچنین نکاتی خاص در مورد شیوهٔ تمیزکردن، شستن یا خشک‌کردن و کوبیدن داروها و سایر مراحل آماده‌سازی هر دارو و نیز ظرف متناسب با طبیعت هر دارو بیان شده است که این بخش نیز از جهات گوناگون قابل‌تأمل است.

باب بیست‌وپنجم در امتحان ادویهٔ مفرده و مرکبه و ذکر مستعمل و غیرمستعمل آن‌ها نام دارد. توضیح آنکه پس از آنکه علم داروسازی از پزشکی مستقل شد، داروخانه‌ها یا دکان‌های عطاری نیز در پی آن ظاهر شدند (۱۰). با به‌رسمیت‌شناختن داروفروشی‌ها، پزشکان ملزم شدند صورت داروها را بر برگه‌هایی بنویسند و به‌دست بیمار دهند تا با مراجعه به داروفروشی، آن‌ها را تهیه کند. این برگه‌ها در شام، دستور [الدستور] و در مغرب، نسخه [النسخه] و در عراق، وصفه [الوصفه] نامیده می‌شدند. طبیعی است اگر علمی به‌صورت عملی و حرفه‌ای در صحنهٔ اجتماع ظاهر شود و صورتی تجاری به خود گیرد، مشمول قوانین مدنی می‌شود و موردنظارت واحدهای مربوط دولتی قرار می‌گیرد که در دنیای قدیم این وظیفه را محتسب بر عهده داشت. از این رو در دوران مأمون خلیفه (۱۷۰ تا ۲۱۸ ه.ق.) و سپس در دوران المعتصم (۱۷۹ تا ۲۲۷ ه.ق.) گونه‌ای گزینش و امتحان داروسازان برقرار شد و چنان مفید واقع شد که گفته می‌شود در دوران فردریک دوم در اروپا نیز رواج یافت و هنوز واژهٔ محتسب در زبان اسپانیایی با همین تلفظ و به همین معنی رواج دارد (۱۱). به همین دلیل در بحث نظارت بر داروها و داروفروشی‌ها در کتاب *منهاج* همچون سایر آثار معتبر، دستورهایی برای امتحان داروها و روش شناسایی داروهای خالص از تقلبی و مغشوش ذکر شده است. به‌ویژه آنکه در این بخش از کتاب اطلاعات دقیقی در مورد عمر مفید داروها و زمان مناسب برای مصرف آن‌ها ارائه شده است که از نظر امانت و مسئولیت شغلی می‌تواند نمونه و سرمشق تلقی شود.

نکتهٔ قابل‌توجه دیگر آن است که بخشی از کتاب *منهاج* مطابق روش مرسوم کتاب‌های داروسازی، به انواع زهرها و پادزهرها اختصاص دارد. در این مورد گفتنی است که آغاز مباحث مربوط به داروسازی و مطالعهٔ منظم آن در نخستین قرن دوران اسلامی و در دروان بنی‌امیه به‌صورتی تناقض‌آمیز با مبحث زهرشناسی و تحقیق دربارهٔ انواع سموم، همراه است. گفته می‌شود نخستین دانشمند در دوران اسلامی که به این بحث پرداخت ابن‌اُثال (مق.۴۷ ه.ق.) طبیب نصرانی معاصر معاویه‌بن‌ابی‌سفیان (۱۵ تا ۶۰ ه.ق.) بود که بنا به‌نظر ابن‌اصیبعه در مورد ادویه به‌ویژه سموم، بصیرت کافی داشت و او را مسئول بسیاری از مرگ‌های مشکوک در دوران معاویه دانسته‌اند؛ از آن جمله گفته می‌شود امام حسن علیه‌السلام (۳ تا ۵۰ ه.ق.) و مالک اشتر (و. ۳۸ یا ۳۹ه.ق.) و عبدالرحمن خالدبن‌ولید (۴ تا ۴۶ ه.ق.) با زهری که او ساخته بود کشته شدند. ابن‌اثال سرانجام به خونخواهی عبدالرحمن به‌دست خالدبن‌مهاجر هلاک شد (۴). در هر حال پیوند نزدیک زهرشناسی با داروسازی، دانشمندان و داروسازان متعهد اخلاق‌مدار را نیز ملزم می‌کرد که در این حوزه دانش بیندوزند و کسب تجربه کنند و حاصل دانش و تجربه‌های خود را در کتاب‌ها و آثار علمی برای استفادهٔ اهل فن، درج کنند. کتاب *منهاج* نیز از این قاعده پیروی کرده و مباحثی دقیق در این حوزه در اختیار پژوهندگان و مخاطبان کتاب قرار داده است که در نوع خود کامل و جامع است.

افزون بر تمام ستودگی‌های علمی و اطلاعات جامعی که کتاب *منهاج* را به‌عنوان منبعی لازم برای مطالعات نوین در زمینهٔ داروسازی سنتی معرفی می‌کند، رویکرد اخلاقی و جنبه‌های انسانی کتاب نیز بسیار اهمیت دارد. چنان‌که می‌توان گفت کتاب *منهاج* از جنبهٔ اخلاق‌مداری و توجه به ملزومات اخلاقی چه اخلاق شخصی و چه حرفه‌ای کتابی ممتاز است و

در جای‌جای کتاب در کنار آموزش امور علمی، اصول اخلاقی حرفهٔ داروسازی و اصول اخلاقی شخصی مطرح و آموزش داده می‌شود. چنان‌که باب بیست‌وسوم کتاب با عنوان ذکر برخی نکته‌های سودمند، در اساس به اصول اخلاق حرفه‌ای داروسازی پرداخته و نزدیک به صد نکتهٔ سودمند را خطاب به فرزند خود و در واقع خطاب به خوانندهٔ کتاب بیان کرده است که می‌توان آن را بیانیهٔ اخلاقی داروسازان حرفه‌ای ذکر کرد. در این بخش نویسنده پس از حمد و سپاس خداوند و جلب رضایت او، مباحثی عمیق و خواندنی دربارهٔ اصول تقوای شخصی در کنار توجه به مردم و اخلاق انسانی، همراه با اصول اخلاق حرفه‌ای ذکر کرده که از آن روزگار تا دوران کنونی اعتبار دارد و می‌تواند دستورنامهٔ اخلاق داروسازی قرار گیرد و از نمونه‌های کلاسیک حقوق بیمار به‌حساب آید.

در واقع این بخش از کتاب افزون بر نکات اخلاقی از منظر جامعه‌شناسی نیز قابل‌توجه است. در این بخش همچنین به نکات ظریفی همچون ظروف نگهداری دارو یا شرایط خوردن و خوراندن دارو به بیمار و آنچه امروز تداخل دارویی خوانده می‌شود، به بحث گذاشته شده است که در نوع خود قابل‌توجه است.

نتیجه‌گیری:

کتاب «*منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب نافعه للابدان*» با عنوان «*شربتکدهٔ هارونی*» در سال ۱۳۹۶ه.ش. از عربی به فارسی ترجمه شده است. اصل کتاب در قرن هفتم و در دیاری دور، یعنی مصر نگاشته شده و مؤلف نیز که بر مذهب یهودی بوده است، از نظر مذهبی با مخاطب عام کتاب فاصله دارد. افزون بر آن مضمون و محتوای کتاب نیز مطابق طبیعت این‌گونه آثار، روشی منظم و یکنواخت را در تدوین کتاب به نویسنده و به مترجم تحمیل می‌کند؛ بنابراین شگفت نیست اگر کتابی خشک و یکنواخت حاصل شود که برای مخاطب حتی اگر متخصص و عرب‌زبان باشد دشواریاب و کسل‌کننده باشد. با این حال و برخلاف انتظار، کتاب پیش رو کتابی جذاب و پرتحرک و پویاست که می‌تواند گروه وسیع‌تری از مخاطبان را چه آن‌ها که در امر داروسازی سنتی مطالعه و تخصص دارند، و چه علاقه‌مندان عام این حوزه را جذب کند. افزون بر آن، کتاب حاوی برخی نکاتی است که شایسته است موردتوجه ادیبان و جامعه‌شناسان و مورخان قرار گیرد. متناسب با زمان و محتوای کتاب، در ترجمه نثری برگزیده شده است که ضمن حفظ بار علمی و تخصصی کتاب، با گزینش معادل‌هایی اگرچه کهن اما آشنا برای متخصصان عرصهٔ طب و داروسازی سنتی، فضای کهن و قدیم‌بودن کتاب را حفظ کند تا خواننده با مطالعهٔ آن خود را در همان محیط قرن هفتم و داروخانه‌های عهد کهن احساس کند. در عین حال تلاش شده ساختار نثر و جمله‌بندی کتاب، در ورای کهنگی اصطلاحات، تا حد امکان به فهم و زبان خوانندهٔ امروز گزارش شود. در این راستا در موارد لازم، با توضیح برخی اصطلاحات و معنی لغوی برخی واژه‌های تخصصی، متن به‌صورتی آسان‌یاب و روان در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. از نظر وفاداری به متن اصلی، امانت کامل در ترجمه رعایت شده است و هیچ نکته یا سطر یا عبارتی در ترجمه از قلم نیفتاده است. در چند مورد نیز که فهم عبارت میسر نشده، عین عبارت در پاورقی ذکر شده است تا خواننده براساس دانش خود، معنی عبارت را دریابد. همچنین در چند مورد خاص با آنکه متن مغشوش بوده است، مترجم با توجه به سیاق عبارت و در قیاس با مضمون و محتوای متن، عبارت را تصحیح و سپس ترجمه کرده است که این موارد را نیز در پاورقی متذکر شده است.

پی‌نوشت‌ها:

[1] از نام و لقب و کنیهٔ کوهین عطار برمی‌آید که بر مذهب یهود بوده است. همچنین از آنجا که در مقدمه تنها به ذکر و یادکرد باری تعالی بسنده کرده و برخلاف سنت معمول نویسندگان مسلمان، بعد از حمد خدای تعالی نامی از حضرت رسول و پیامبر خدا ذکر نکرده است، این گمان تقویت می‌شود. افزون بر آن در کتاب دانش‌نامهٔ بزرگ اسلامی در مقالهٔ شمارهٔ ۷۸۴ (ص ۴-۷۸۳) ذیل عنوان «ابن‌ابی‌البیان» همراه با معرفی کتاب اقراباذین چنین می‌آورد: «... ابن‌ابی‌اصیبعه (۱۱۹/۲) این کتاب [اقراباذین ابن‌ابی‌البیان] را نزد خود ابن‌ابی‌البیان خوانده و

به راهنمایی او به تصحیح آن پرداخته است. کوهین العطار داروساز یهودی معاصر ابن‌ابی‌البیان (اشپولر، (۱)/۳۰۹ ؛ IV ظاهریه، ۴۶۹) نیز این کتاب را ستوده است».

با این حال از لابه‌لای متن دریافته می‌شود که کوهین عطار مردی دین‌مدار و پای‌بند به اصول دینی و خدای‌ترس بوده است و در کتاب خود بارها از تقوای الهی دم زده و خواننده و مخاطب کتاب را نیز به آن فراخوانده است. به‌ویژه در باب بیست‌وسوم که دربردارندهٔ وصایا و سفارش‌های او به فرزند و از این راه به عموم اهل حرفهٔ داروسازی است، مرتباً به تقوای الهی و درست‌کاری سفارش کرده است و در یک جا به ذکر یاد و نام خدا اشاره کرده و صراحتاً به قرائت «کتاب الله» توصیه کرده است. عبارت مندرج در متن کتاب چنین است: «... ثم تقرأ شیئا من کتاب الله و تکثر ذکر له» (صفحهٔ ۲۵۷ متن عربی) که در ترجمهٔ فارسی به «... بعد کمی قرآن بخوان و یاد خدا را بسیار به‌جای آور...» (ص ۴۱۶) برگردانده شده است که البته بهتر می‌بود همان ترکیب «کتاب الله» در ترجمه حفظ می‌شد. براساس شواهدی که ذکر شد، نمی‌توان از ذکر این نکته خودداری کرد که کوهین عطار قلباً فردی پرهیزگار و خدای‌ترس و در امور مربوط به حرفهٔ خود و در ارتباط با مردم و بیماران، بسیار درستکار و متعهد بوده است.

References:

1. Tabatabaei M, Kalantari Hormozi A. The effect of Discorideos on writing the sources of Islamic and Iranian traditional medicine. Research in Medicine. 2010;4(33):205-213.
2. Yildirim RV. Estudios sobre De Materia Medica de Dioscórides en la era islámica. Asclepio. 2013 Jun 30;65(1):p007.
3. Mohammadifar SH. Classification of plants in botanical and medical works of the Islamic period. Journal of Scientific Heritage of Islam and Iran. 2015;2(8):16-38.
4. Mutamedi M, Shojania J. Khālid b. Yazīd: The First Alchemist in Islamic Civilization. Journal of History and Culture. 2015 Feb 20;46(2):67-96.
5. Nasr SH. From Alchemy of Jaber to Chemistry of Razi. Maaref-e Islami. 1967;4:29-32.
6. Beigbabapour Y, Marashi SH. Writing on Grafidin (Frafidin) and the Status of Great Grafidin of Shapour Ibn Kousaj as the First Book on Grafidin in the Era of Islamic Civilization. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2015 Jun 10;6(1):71-9.
7. Hudson J. The History of Chemistry. Translated by Khajeh Nasir Tusi A.). Tehran: University Publishing Center; 1995. [In Persian].
8. Roghani S. Effective Factors in Andalusian Physicians' Attention to Pharmacology. Journal for the History of Science. 2008;6(2): 75-84.
9. Al-Attar Haruni D. *Minhaj al-Dukkan wa-Dustur al-A'yan fi A'mal wa Tarakib al-Adwiya al-Nafi'a li'l-Abdan*. Translated by Abdollahi M. Tehran: Choogan; 2018. P:404-405. [In Persian].
10. Abdollahi M, Amalsaleh E. The history of first modern pharmacies founded in Iran. Journal of Research on History of Medicine. 2020 May 1;9(2):85-94.
11. Hejazi A. The History of Pharmacy of Muslem People. The Scientific Journal Al-Ahram (www.ahramag.com). 2018.